Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنه حقوق الانسان الاسلامیه فی ایران



حقوق بین‌الملل در کنار ایران است؛

پس چرا شورای امنیت سازمان ملل قربانی را مقصر می‌داند؟!

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده ای نزد ملت های مختلف شکل گرفت . این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه های مردم در لامرد با بمب های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قراردادن ده ها مدرسه، دانشگاه ،ورزشگاه، مرکز درمانی،آثار میراث فرهنگی و دیگر زیر ساختهای مردمی ایران وهم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح وسرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود .

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته اند، به طور طبیعی از حقوقدانان بین المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین الملل و حقوق بشر را درک می کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوقدانان بین المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد متاسفانه به هر علت و انگیزه ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دو پهلو و مبهم و بی خاصیت رو آوردند و نهایتا گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کمرنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت های متنوع دریغ نورزیده اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوقدانان و با چه کیفیت فنی و حقوقی و در چه منابع تخصصی موضع گیری شفافی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند ، امور پژوهشی کمیسیون مناسب

دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره ذیربط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.
گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است.

مقاله ای که در گزارش حاضر معرفی شده از سوی یکی از حقوقدانان فعال بین المللی مقیم تورنتو کانادا نقریر یافته است. این مقاله تلاش کرده تا مروری فشرده بر موازین حقوق بین الملل مرتبط با جنگ علیه ایران انجام داده و بیش از همه عملکرد شورای امنیت سازمان ملل را مورد واکاوی قرار دهد. نویسنده به روشنی تصریح کرده که شورای امنیت نه تنها در خصوص تجاوز به ایران هیچ نقش سازنده ای ایفا نکرد بلکه بر عکس، هدیه ای نیز به متجاوزان داد و اوضاع منطقه و جهان را با تهدیدات امنیتی بیشتری مواجه ساخت. نویسنده اقدامات دفاعی ایران را نیز از منظر حقوق بین الملل تحلیل نموده و مشخص کرده است که همه اقدامات ایران با رعایت موازین بین المللی و نهایت پایبندی به اصول حقوق بشردوستانه صورت گرفته است .

امور پژوهشی کمیسیون لازم می داند پیشاپیش این مهم را مورد تاکید قرار دهد که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده از جمله مولف مقاله حاضر، دیدگاههای شخصی خود مولفین است و ترجمه و انتشار دیدگاه‌ها به معنای تائید همه محتوا یا سطح توصیف،استدلال و تحلیل حقوقی آنها نیست بلکه فرصتی فراهم می آورد که جامعه علمی یا مسئولان وسیاستگذاران کشور با اِشراف به نظرات مطرح شده در سطح جهانی تحرک عالمانه تری از خود نشان دهند . با وجود نکته یاد شده، در متن پیش رو، حسب ضرورت ، امور پژوهشی کمیسیون توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی را داخل براکت[ ] در متن افزود یا معادل انگلیسی برخی کلمات دارای بار حقوقی خاص را در زیر نویس قید کرد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاه‌های حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود.
با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران/ فروردین ۱۴۰۵

♦ نویسنده: آیدان جی. سیماردون، دکترای حقوق از دانشکده حقوق آزگود هال،وکیل حقوق مهاجران و حقوق بشر، فعال در تورنتو و نویسنده آزاد در رسانه های مطالعات ژئوپولتیک و امور بین الملل

♦مجری برگردان انگلیسی به فارسی: امیر احسان بی غم، دانش پژوه رشته حقوق و همیار افتخاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

♦ ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، فروردین ۱۴۰۵

♦ماخذ: سامانه Thecradle.co (مجله حقوقی آنلاین متمرکز بر مطالعات بین المللی به ویژه حوزه غرب آسیا)، ۲۶ مارس ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۰۳

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا بازنشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحبنظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المفنعه نیز برای همه میسور است.

(www.ihrc.ir)

متن مقاله:

حقوق بین‌الملل در کنار ایران است؛

پس چرا شورای امنیت سازمان ملل قربانی را مقصر می‌داند؟

در حالی که حملات آمریکا و اسرائیل شدت گرفته‌اند، تهران تأکید دارد که در حال دفاعی مشروع و قانونی است. اقدامات متقابل و تلافی‌جویانه و همدستی کشورهای ثالث اکنون جبهه‌ای حقوقی و موازی را شکل داده‌اند.

نوشته آیدان جی. سیماردون، دکترای حقوق از دانشکده حقوق آزگود هال،وکیل حقوق مهاجران و حقوق بشر فعال در تورنتو

(انتشار در۲۶ مارس ۲۰۲۶ برابر با ششم فروردین ۱۴۰۵ شمسی)

ایران تحت حمله قرار گرفته است. درست زمانی که به نظر می‌رسید پیشرفت دیپلماتیک درباره برنامه موسوم به هسته‌ای ایران ممکن شده، آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه حملات هوایی گسترده‌ای را آغاز کردند که به کشته شدن/ [شهادت] رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، و قتل‌عام دست‌کم ۱۶۵ دانش‌آموز دختر[در مدرسه شجره طیبه میناب] انجامید. با ادامه بمباران بیمارستان‌ها، مدارس و زیرساخت‌های غیرنظامی توسط واشنگتن و تل‌آویو، شمار قربانیان از ۱۹۰۰ نفر فراتر رفته است.

حتی اگر ادعاهای غرب علیه ایران را نیز بپذیریم، باز هم مبنای حقوقی روشنی برای کارزار نظامی آمریکا و اسرائیل وجود ندارد. ادعاهایی مانند «حفاظت از ایرانیان» و «دفاع پیش‌دستانه» بر اساس منشور سازمان ملل یا حقوق بین‌الملل عرفی، از دلایل مشروع برای توسل به زور محسوب نمی‌شوند. با این حال، در شورای امنیت سازمان ملل محکومیت نه متوجه واشنگتن و تل‌آویو، بلکه متوجه تهران بود؛ به‌ویژه به دلیل حملات تلافی‌جویانه ایران در سراسر خلیج [فارس].

ایران استدلال می‌کند که اقداماتش در چارچوب حقوق بین‌الملل بوده است. حملات ایران عمدتاً تأسیسات نظامی و زیرساخت‌هایی را هدف قرار داده‌اند که مستقیماً با تلاش جنگی[متجاوزان به ایران] مرتبط بوده‌اند. مقام‌های ایرانی

این کارزار[دفاعی] را نه[صرفا] اقدامی تنبیهی ومجازات[علیه طرف مقابل]، بلکه نبردی برای بقا[1]توصیف می‌کنند. از نگاه تهران، اصلی‌ترین نقض‌ها از سوی کسانی صورت گرفته که تجاوز علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرده‌اند.

استفاده و سوءاستفاده از حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل به‌هیچ‌وجه نظامی کامل نیست. معماری مدرن آن هم‌زمان با گسترش امپریالیسم شکل گرفت و اغلب بازتاب‌دهنده سلسله‌مراتب قدرت در جهان بوده است. اجرای موازین[حقوق بین الملل] همچنان گزینشی است و تفسیرهای حقوقی نیز غالباً تحت تأثیر نفوذ ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرند. با این حال، حتی این نظام ناقص نیز محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. این چارچوب برای مهار تشدید درگیری‌های مسلحانه و حفاظت از جمعیت غیرنظامی در برابر شدیدترین پیامدهای جنگ طراحی شده است.

بر اساس منشور سازمان ملل، استفاده از زور تنها در دو حالت مجاز است: دفاع از خود پس از وقوع حمله مسلحانه، یا دریافت مجوز صریح از شورای امنیت. ماده ۵۱ منشور، حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی را در صورت وقوع حمله مسلحانه به رسمیت می‌شناسد:

«هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل متحد لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.»

مواد ۳۹ و ۴۲ [منشور ملل متحد] نیز به شورای امنیت اختیار می‌دهند برای بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی، اقدام نظامی را مجاز اعلام کند:

«ماده ۳۹ – شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوزکارانه را تشخیص خواهد داد و توصیه‌هایی ارائه می‌کند یا تصمیم می‌گیرد چه اقداماتی طبق مواد ۴۱ و ۴۲ برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی باید اتخاذ شود.»

«ماده ۴۲ – چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد اقدامات پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۱ کافی نیست یا ناکافی بوده است، می‌تواند با استفاده از نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اقداماتی را که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است انجام دهد. این اقدامات می‌تواند شامل نمایش قدرت، محاصره و دیگر عملیات‌های هوایی، دریایی یا زمینی اعضای سازمان ملل باشد.»

[1]. As one of survival rather than punishment

پیش از آغاز حملات، نه اسرائیل و نه آمریکا از سوی ایران مورد حمله قرار نگرفته بودند. همچنین هیچ‌گونه مجوزی نیز از شورای امنیت دریافت نکرده بودند.

در عوض، روایت‌های حقوقی جایگزینی مطرح شد. یکی از آن‌ها بر تغییر رژیم مبتنی بر دکترین «مسئولیت به حمایت» (R2P)[۲]استوار بود؛ دکترینی که در موارد نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایت علیه بشریت مطرح می‌شود.

با این حال، R2P هنوز به یک قاعده الزام‌آور عرفی در حقوق بین‌الملل تبدیل نشده است. منتقدان می‌گویند ابهام این دکترین ممکن است آستانه مداخله را کاهش دهد، زیرا به قدرت‌های بزرگ اجازه می‌دهد اهداف راهبردی خود را در قالب ضرورت‌های بشردوستانه بازتعریف کنند.

جیسون آتاناسیوس دوکاکیس[۳]در نشریه مطالعات بین الملل ییل[۴] می‌نویسد که R2P «به دلیل تعریف و دامنه مبهم، فقدان سازوکار مشخص برای واگذاری اختیار، و نبود چارچوب اجرایی روشن، واجد جایگاه یک تعهد حقوقی نیست.»

با توجه به نسل‌کشی فلسطینیان در غزه و حملات علیه غیرنظامیان ایرانی توسط تل‌آویو و واشنگتن، کاربرد[عنوانی چون] مسئولیت به حمایت (R2P) برای توجیه حمله به ایران حتی پوچ‌تر [از ایراد قبلی] است[۵].

توجیه دوم[متجاوزان]، دکترین دفاع پیش‌دستانه است؛ یعنی این ادعا که می‌توان برای جلوگیری از حمله‌ای قریب‌الوقوع از زور استفاده کرد. حتی آمریکا نیز در زمان جنگ عراق به بی‌اساس بودن این استدلال واقف بود و در عوض ادعاهای پیچیده‌ای مطرح کرد مبنی بر اینکه مجوز شورای امنیت در جنگ خلیج فارس استفاده از زور

---

۲. Resposibility to protect

۳. Jason Athanasios Doukakis

۴. The Yale Review of International Studies

۵ . تاکید نویسنده بر پوچ و مضحک بودن استناد به یک نظریه مطرح در سطح بین المللی با عنوان «مسئولیت به حمایت» با ادعای کمک به مردم جامعه مورد هدف، نه تنها از سوی این نویسنده بلکه از سوی طیف گسترده ای از دیگر محققان نیز مطرح شده است چرا که متجاوزان از همان ابتدا با هدف گیری مدرسه میناب و ورزشگاه لامرد و استمرار کشتن غیر نظامیان و حمله به مراکز غیر نظامی مورد حمایت حقوق بشردوستانه اعم از بیمارستان ها ، دانشگاهها ، زیر ساخت ها ، میراث فرهنگی ایرانیان و خانه های مردم عملا نشان دادند که نه تنها چارچوب های حقوقی حمایت از حقوق انسانی برایشان هیچ معنا ندارد بلکه به تعبیر وزیر جنگ ترامپ دقیقا بر عکس آن عمل می کنند تا روحیه و تاب آوری ملی جامعه مورد هدف را شکسته و بزعم خود سریعتر به اهداف نامشروع نائل آیند.

برای جلوگیری از دستیابی عراق به سلاح‌های کشتار جمعی را مجاز می‌کرد. امروزه حتی چنین استدلالی نیز وجود ندارد.

ماده ۵۱ منشور[ملل متحد] به‌صراحت به حمله‌ای مسلحانه اشاره دارد که قبلاً رخ داده باشد. گسترش این دکترین به تهدیدات احتمالی آینده، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های منشور بر استفاده یک‌جانبه از زور را تضعیف خواهد کرد.

پاسخ سنجیده و متناسب

نه‌تنها اصل این جنگ طبق حقوق بین‌الملل غیرقانونی است، بلکه شیوه اجرای آن نیز غیرقانونی محسوب می‌شود. بر اساس حقوق بین‌الملل، دفاع از خود باید هم متناسب باشد (در پاسخ به حمله) و هم ضروری (برای جلوگیری از حملات بعدی). در غیر این صورت، حتی یک درگیری کوچک مرزی می‌تواند به جنگ هسته‌ای منتهی شود.

اصل تناسب و اصل ضرورت[۶] بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی هستند؛ منبعی حقوقی که از رویه مستمر دولت‌ها در طول زمان شکل گرفته است.

این اصول در پرونده‌های بین‌المللی متعددی، از جمله پرونده «نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا»، تأیید شده‌اند؛ جایی که دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد:

«قاعده مشخصی وجود دارد که بر اساس آن، دفاع مشروع تنها اقداماتی را توجیه می‌کند که متناسب با حمله مسلحانه و برای پاسخ به آن ضروری باشند؛ قاعده‌ای که در حقوق بین‌الملل عرفی کاملاً تثبیت شده است.»

در نخستین روز جنگ، آمریکا و اسرائیل رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، را ترور کردند و یک مدرسه ابتدایی دخترانه[در شهرستان میناب] را بمباران نمودند که دست‌کم ۱۸۰ کشته بر جای گذاشت؛ از جمله ۱۶۵ دختر خردسال. این اقدامات به‌هیچ‌وجه هدف نظامی مشخصی را محقق نمی‌کند. در واقع، با ترور [آیت الله]خامنه‌ای و کشتار غیرنظامیان بی‌گناه، مهاجمان روند مذاکره را دشوارتر کردند.

در مقابل، با وجود آنکه ایران هزاران موشک و پهپاد در پاسخ شلیک کرده است، طبق آمار رسمی تنها ۱۶ اسرائیلی، ۱۳ سرباز آمریکایی و ۲۰ نفر در سراسر خلیج [فارس] کشته شده‌اند. اهداف اصلی ایران پایگاه‌های نظامی و ساختمان‌هایی بوده‌اند که نیروهای آمریکایی در آن مستقر بوده‌اند؛ اهدافی مشروع، زیرا در حمله به جمهوری

۶. Proportionality and necessity

اسلامی نقش داشته‌اند. ایران همچنین سفارتخانه‌هایی را هدف قرار داده، اما نه با هدف ترور دیپلمات‌ها، بلکه برای نابودی[مراکز ویژه] عملیات‌های جاسوسی.

بحث‌برانگیزترین اقدام، حمله به یک تأسیسات نمک زدایی[۷]در بحرین بود که آب آشامیدنی تأمین می‌کند. بر اساس ماده ۵۲(۱) پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو:

«اموال غیرنظامی نباید هدف حمله یا اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرند.»

همچنین ماده ۵۴ تصریح می‌کند:

«حمله، تخریب، حذف یا غیرقابل استفاده کردن اشیایی که برای بقای جمعیت غیرنظامی ضروری هستند، ممنوع است.»

ایران استدلال می‌کند که این اقدام، پاسخی متقابل به تخریب یک تأسیسات آب‌شیرین‌کن در جزیره قشم بوده است؛ تنها تأسیساتی که آب مورد نیاز ۱۵۰ هزار ساکن آن را تأمین می‌کرد، در حالی که بحرین دارای چندین مرکز مشابه برای حفظ تأمین آب است.

در حقوق مخاصمات مسلحانه، چنین اقداماتی گاه در چارچوب دکترین «اقدامات تلافی‌جویانه جنگی»[۸]تحلیل می‌شوند؛ مفهومی محدود که به اقداماتی اشاره دارد که معمولاً غیرقانونی‌اند، اما ممکن است به‌عنوان آخرین راه‌حل در پاسخ به نقضی جدی و قبلی، مجاز تلقی شوند.

تفاسیر عرفی تأکید دارند که این اقدامات باید متناسب باقی بمانند، صرفاً با هدف واداشتن طرف مقابل به بازگشت به رفتار قانونی انجام شوند، و تنها زمانی به کار روند که سایر راه‌های جبران ناکام مانده باشند. تهران حمله به زیرساخت‌های بحرین را پیامی بازدارنده برای جلوگیری از حملات غیرقانونی بیشتر به تأسیسات حیاتی غیرنظامی داخل ایران توصیف می‌کند.

حامیان این دیدگاه معتقدند هنگامی که نهادهای بین‌المللی در جلوگیری از نقض‌ها ناکام می‌مانند، اقدامات تلافی‌جویانه محدود می‌توانند یکی از معدود سازوکارهای اجراییِ در دسترس دولت‌هایی باشند که با دشمنانی دارای برتری نظامی مواجه‌اند و می‌خواهند هزینه‌هایی تحمیل کرده و نوعی تقابل حقوقی متقابل برقرار سازند.

---

۷. A desalination plant

۸. The doctrine of belligerent reprisals

دروغ‌ها در شورای امنیت

این تفسیر در شورای امنیت سازمان ملل چندان مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به حق وتوی آمریکا به‌عنوان عضو دائم شورا، تصویب هرگونه قطعنامه‌ای در محکومیت اقدامات آمریکا بعید بود. در عوض، ایران به‌عنوان عامل تشدید جنگ معرفی شد.

قطعنامه ۲۸۱۷ [مصوب ۱۱ مارس ۲۰۲۶ شورای امنیت ملل متحد] بر تمامیت ارضی و استقلال سیاسی بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اردن تأکید می‌کند و هم‌زمان حق دفاع مشروع آن‌ها را نیز یادآور می‌شود؛ با وجود آنکه این کشورها میزبان پایگاه‌های نظامی خارجی بوده‌اند که در عملیات علیه ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران عمداً زیرساخت‌های غیرنظامی را هدف قرار داده باشد؛ به‌جز تأسیسات آب‌شیرین‌کن بحرین که با هدف بازدارندگی در برابر حملات به تأسیسات مشابه ایران هدف قرار گرفت. حتی با احتساب نیروهای نظامی، مجموع قربانیان حملات ایران کمتر از ۵۰ نفر بوده است. در میان معدود غیرنظامیانی که کشته شدند، بسیاری بر اثر سقوط بقایای موشک‌های رهگیری‌شده جان باختند. این ایران نیست که بیمارستان‌ها، مدارس و غیرنظامیان بی‌گناه را هدف قرار می‌دهد؛ بلکه اسرائیل و آمریکا چنین می‌کنند.

تهران و متحدانش به قطعنامه شماره ۳۳۱۴ [مصوب] سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره می‌کنند؛ قطعنامه‌ای که تجاوز را شامل وضعیتی می‌داند که در آن کشوری اجازه دهد قلمرو آن برای حمله یک دولت دیگر به کشور ثالث مورد استفاده قرار گیرد. ماده ۳(ف) [قطعنامه مذکور] واگذاری حریم هوایی، پایگاه‌ها یا بسترهای لجستیکی برای اقدام نظامی را رفتاری می‌داند که می‌تواند خود مصداق تجاوز باشد.

از این منظر، کشورهایی که چنین عملیات‌هایی را تسهیل می‌کنند، ممکن است وضعیت بی‌طرفی خود را از دست بدهند و در معرض اقدامات دفاعی متناسب با هدف متوقف کردن حملات جاری قرار گیرند.

قطعنامه ۳۳۱۴[مصوب مجمع عمومی ملل متحد] بر تحولات حقوقی بعدی، از جمله آرای دیوان بین‌المللی دادگستری(ICJ) و اصلاحات کامپالا[۹] در اساسنامه رمِ دیوان کیفری بین‌المللی، تأثیر گذاشته است؛ اصلاحاتی که

[۹]. Kampala Amendments

امکان مسئولیت کیفری فردی رهبرانی را که در طراحی، تسهیل یا حمایت از اعمال تجاوزکارانه نقش دارند، گسترش داد.

قطعنامه اخیر[شورای امنیت ملل متحد] همچنین بستن گزینشی[۱۰] تنگه هرمز توسط ایران را محکوم می‌کند. تهران در پاسخ می‌گوید که ایجاد حصر دریایی در زمان جنگ[۱۱]، در صورتی که اعلام شده و به‌طور مؤثر اجرا شود، طبق حقوق عرفی دریاها به رسمیت شناخته شده است. ایران همچنین یادآور می‌شود که بخشی[۱۲] از این تنگه در آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار دارد.

شاید منظور اصلی قطعنامه[شورای امنیت]، [برجسته کردن] حق عبور بی‌ضرر[۱۳] بود؛ حقی که به کشتی‌های غیرنظامی اجازه می‌دهد از آب‌های سرزمینی عبور کنند. این حق بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است، اما در ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل (UNCLOS) نیز تصریح شده است.

با این حال، «دستورالعمل سَن‌رِمو درباره حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه دریایی»[۱۴] جزئیات بیشتری درباره حقوق عرفی موجود ارائه می‌دهد. مواد ۹۳ تا ۱۰۸ این دستورالعمل، حصر دریایی را در صورتی که **اعلام شود** (ماده ۹۳) و **مؤثر باشد** (ماده ۹۵)، مجاز می‌دانند. مادامی که شرایط ذیربط رعایت شود، ماده ۹۸ [در این خصوص] مقرر می‌دارد:

«کشتی‌های تجاری که به‌طور معقول مظنون به نقض حصر دریایی باشند، می‌توانند توقیف شوند. کشتی‌های تجاری که پس از هشدار قبلی، آشکارا در برابر توقیف مقاومت کنند، ممکن است هدف حمله قرار گیرند.»

بستن تنگه هرمز را نباید صرفاً اقدامی از سوی دولت ایران برای فشار بر اقتصاد جهانی دانست، بلکه باید آن را نوعی حصر[و محدودیت] علیه کالاهای ورودی به کشورهای خلیج [فارس] تلقی کرد. ایران این حصر و محدودیت را

شایان ذکر است اصلاحات مذکور در سال ۲۰۱۰ میلادی برابر با ۱۳۸۹ شمسی در اولین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که در شهر کامپالای اوگاندا برگزار شد، حاصل گردید. مهم ترین دستاورد این اجلاس شامل تعریف و تعیین عناصر «جنایت تجاوز» و همچنین اصلاحاتی در خصوص جرایم جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بود. (توضیح افزوده بر متن در کمیسیون)

[۱۰]: Selective closure

[۱۱]: Wartime blockades

[۱۲] . معلوم نیست نویسنده چرا این نسبت را به ایران داده است چون همه می دانند کل محدوده ورودی تنگه هرمز در قلمرو آبهای داخلی و سرزمینی ایران و عمان قرار دارد نه فقط «بخشی» از آن(توضیح افزوده بر متن)

[۱۳]: The right of innocent passage

[۱۴]: The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea

اعلام کرده و این اقدام در تضعیف کشورهای خلیج [فارس به عنوان میزبان پایگاههای نظامی آمریکا و مبدا حملات به ایران] مؤثر بوده است. **برخلاف آنچه در قطعنامه[مورد بحث شورای امنیت سازمان ملل] آمده، این اقدام[دولت ایران] مطابق حقوق بین‌الملل است.**

چین و روسیه در[روند تصویب قطعنامه مذکور] در نهایت رأی ممتنع دادند[۱۵]و ضمن انتقاد از نامتوازن بودن قطعنامه، تلاش کردند روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود را با شرکای حاشیه خلیج [فارس] حفظ کنند.

پیش از تصویب قطعنامه، پکن و مسکو آن را به دلیل عدم توازن و نپرداختن به ریشه اصلی درگیری محکوم کرده بودند.

شکستی دیگر

شورای امنیت سازمان ملل پس از جنگ جهانی دوم با هدف جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه تشکیل شد. اما قطعنامه اخیر این شورا، با خودداری از محکوم کردن متجاوزان(آمریکا، اسرائیل و کشورهای میزبان پایگاه‌های نظامی متخاصم) عملاً به تشدید بحران کمک کرده است.

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، نیز استدلال کرده که حقوق بین‌الملل به‌صورت گزینشی اجرا می‌شود و واکنش‌های غرب به غزه و تنگه هرمز را نمونه‌ای از استانداردهای دوگانه مورد نظر تهران دانسته است.

حتی یک بیانیه مبهم در محکومیت جنگ(که روسیه پیش‌نویس آن را تهیه کرد اما موفق به تصویبش نشد)[۱۶] می‌توانست بهتر از وضعیت فعلی باشد. در عوض، شورای امنیت با پنهان کردن نقش کشورهای خلیج [فارس به

---

[۱۵] . شایان ذکر است علیرغم اینکه روسیه و چین در اولین مواجهه با پیش نویس قطعنامه های مربوط به جنگ تحمیلی علیه ایران در سال ۲۰۲۶ به قطعنامه ارائه شده از سوی آمریکا و کشورهای عربی به همین علت که نویسنده اشاره کرده(معذوریت حفظ همزمان روابط سیاسی و اقتصادی با اعراب در عین روابط راهبردی با ایران) رای ممتنع دادند اما عملا با این نحوه رای دهی زمینه تصویب قطعنامه ناعادلانه و بی توجه به اصل تجاوز علیه ایران فراهم شد، به همین جهت نیز مورد انتقادات زیادی در سطح جامعه ایران و سایر آزادیخواهان دنیا قرار گرفتند. چندی بعد در ۷ آوریل ۲۰۲۶ (۱۸ فروردین ۱۴۰۵) پیش نویس قطعنامه بعدی که علیه ایران در شورای امنیت مطرح گردید را روسیه و چین هر دو وتو کردند و بعد از آن نیز اجازه ندادند که آمریکا و متحدانش بتوانند از شورای امنیت سو استفاده کرده و آنچه در میدان جنگ بدست نیاورده اند را از این طریق کسب کنند. برخی تحلیل گران گفته اند روسیه و چین وقتی توان دفاعی دولت ایران و مقاومت فراگیر ملت ایران را در برابر آمریکا و اسرائیل دیدند از تردید خارج شده و راهبرد حمایت قاطع از ایران را در پیش گرفتند. (توضیح افزوده بر متن در کمیسیون)

[۱۶] . روسیه در همان جلسه ۱۱ مارس ۲۰۲۵ / ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ شمسی شورای امنیت ملل متحد پیش نویس جداگانه ای را ارائه کرد که پیش‌نویس روسیه رای نیاورد. این پیش نویس ۴ رأی موافق (روسیه، چین، پاکستان و سومالی)، ۲ رأی مخالف (آمریکا و لتونی) و ۹ رأی ممتنع کسب کرد. آمریکا و کشورهای عربی تلاش زیادی کردند که این پیش نویس تصویب نشود. متن پیشنهادی روسیه بدون نام آوردن از کشوری خاص، خواستار آتش‌بس عمومی، توقف فوری فعالیت‌های نظامی و بازگشت به مسیر دیپلماسی بود (توضیح افزوده بر متن)

عنوان مبدا اکثر حملات آمریکا به ایران و مشارکت آنها] در بمباران ایران و محکوم کردن تهران به‌خاطر دفاع از خود، اوضاع را بدتر کرد.

دولت ایران تأکید دارد که تلاش کرده تلفات غیرنظامی را محدود نگه دارد و تنها اهدافی را مورد حمله قرار دهد که مستقیماً با تلاش جنگی مرتبط بوده‌اند. اگر حقوق بین‌الملل به‌صورت گزینشی اجرا شود(به‌گونه‌ای که متجاوزان را مصون نگه دارد و کسانی را که مدعی دفاع از خود هستند محکوم کند) اعتبار و اقتدار آن در معرض فرسایش قرار خواهد گرفت.

برای کشورهایی که با تهدیدهای وجودی مواجه‌اند، پایبندی به موازین جنگ ممکن است دیگر یک انتخاب راهبردی به نظر نرسد، بلکه به توهمی خطرناک شباهت پیدا کند.